

## تحلیل روان‌شناختی آموزه مغفرت‌بخشی گریستن بر امام حسین علیه السلام در تناظر با آموزه توبه در منابع اسلامی

### Psychological analysis of the teaching of forgiveness and weeping over Imam Hussein (as) in relation to the teaching of repentance in Islamic sources

Ahmad Reza Famil Dardashti  
Abbas Ali Shameli

حمدرضا فامیل دردشتی<sup>۱</sup>  
عباسعلی شاملی<sup>۲</sup>

#### Abstract

Researches show the effective role of spiritual Mourning and weeping for Imam Hussein (as) has always been the subject of intra-religious and extra-religious research and analysis. One of the issues that has raised many questions and doubts is the works that have been expressed in Shiite Hadithes to weep over the sufferings of Imam Hussein (as). Opponents consider such Hadithes to be based on exaggeration and daring to sin, and do not consider them to be logically and firmly analyzed.

The purpose of this article is to provide a psychological analysis of the mechanism of the spiritual effect of weeping on the sufferings of Imam Hussein in the soul and psyche of the believer and as a result the forgiveness of his sins. In this study, by analyzing the teaching of forgiving weeping over Imam Hussein and comparing it with the teaching of repentance, which is the most important spiritual mechanism of forgiveness of sins in Islamic culture, it was found that the psychological process of repentance and weeping over Imam Hussein means separation from evils and The tendency towards goodness is the same, and the psychological changes of the penitent and the mourner are remarkably similar. In this research, the method of data collection is library and the research method is descriptive-analytical

**Keywords:** Imam Hussein, weeping, forgiveness of sins, repentance, personality dimensions.

#### چکیده

سوگواری و گریستن بر امام حسین علیه السلام همواره از جهات گوناگون، موضوع پژوهش‌ها و تحلیل‌های درون‌دینی و برون‌دینی بوده است. یکی از مسائلی که پرسش‌ها و شبهات فراوانی را برانگیخته، آثاری است که در روایات شیعی برای گریستن بر مصائب امام حسین علیه السلام بیان شده است. مخالفان، چنین روایاتی را برخاسته از کزاف‌اندیشی و موجب جرئت‌ورزی برگناه دانسته و تحلیل منطقی و استواری برای آن قائل نمی‌شوند. هدف از نوشتار که به شیوه، توصیفی-تحلیلی انجام شده، ارائه تحلیلی روان‌شناختی از سازوکار تأثیر معنوی گریستن بر مصائب امام حسین در روح و روان انسان مؤمن و در نتیجه، آموزش گناهان اوست. در این پژوهش با تحلیل آموزه مغفرت‌بخشی گریستن بر امام حسین و مقایسه آن با آموزه توبه که مهم‌ترین سازوکار معنوی آموزش گناهان در فرهنگ اسلامی است، به دست آمد که فرایند روان‌شناختی توبه و گریستن بر امام حسین، یعنی جدا شدن از بدی‌ها و گرایش به سوی خوبی‌ها است و تحولات روان‌شناختی شخص توبه‌کننده و شخص سوگوار از شباهت درخور توجهی برخوردار است.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، گریستن، آموزش گناهان، توبه، ساحت‌های شخصیت.

PhD student in Quran and Psychology, Faculty of Islamic Humanities and social sciences, Al-Mustafa International University. porsesh.ahmad.reza@gmail.com

Associate Professor of Educational Psychology, Al-Mustafa International University. (Corresponding Author) aashameli@yahoo.com

Received: 26 July 2020 Accepted: 16 May 2020

۱. دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه

porsesh.ahmad.reza@gmail.com

۲. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه. (نویسنده مسئول) aashameli@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۵/۰۵ تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۲۷

## مقدمه

یکی از موضوعات مهم در فرهنگ اسلامی، به‌ویژه فرهنگ غنی تشیع، موضوع بزرگداشت مقام معنوی و اخلاقی پیامبران و اولیای الهی، به‌ویژه مقام بلند و ارجمند حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است. خداوند حکیم در شمار فراوانی از آیات قرآن کریم با هدف ارائه الگوهای مقدس و برجسته معنوی به انسان‌ها و آشنا ساختن جامعه اسلامی با شخصیت‌های ملاک و تراز معنوی و اخلاقی، خصلت‌های نیک و خدمات گرانسنگ برخی از پیامبرانش، همچون موسی علیه السلام (شعرا: ۱۰-۶۸)، ابراهیم علیه السلام (همان: ۶۹-۱۰۴) هود علیه السلام (همان: ۱۲۳-۱۴۰)، صالح علیه السلام (همان: ۱۴۱-۱۵۹)، لوط علیه السلام (همان: ۱۶۰-۱۷۵) [ علیه السلام ] و برخی اولیای مکرم خود، مانند مریم، آسیه (تحریم: ۱۱ و ۱۲) و ذوالقرنین (کهف: ۸۳-۹۸) [ علیه السلام ] را ستایش و تکریم کرده است. این روش نیک در سنت و سیرت پیامبر اکرم و اهل بیت او علیه السلام و نیز صحابه، تابعان و عموم مسلمانان در طول تاریخ اسلام، به روشنی و برجستگی ظهور یافته و به‌عنوان رفتاری اخلاقی و درخور پیروی برای همه مسلمانان مطرح شده است (دردشتی و پیری، ۱۳۹۶). یکی از جلوه‌های پرشکوه این روش نیک، تکریم و ستایش شخصیت بالنده و مقام معنوی امام حسین علیه السلام و ارج نهادن بر مجاهدت‌ها و فداکاری‌های آن امام همام در مبارزه با ظلم و انحراف جریان اُموی و شهادت او، خاندان و یارانش در راه برپایی نظام عدالت‌گستر اسلام ناب و احیای ارزش‌های انسانی و اسلامی است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۴). بنابراین روایات بسیار فراوانی از پیامبر و دیگر امامان اهل بیت علیه السلام، زیارت قبر مطهر امام حسین علیه السلام از راه دور و نزدیک، سوگواری و گریستن بر مصیبت‌ها و رنج‌های آن امام، خاندان مطهر و یاران باوفایش، یکی از سازنده‌ترین و باارزش‌ترین اعمالی است که انسان را به ذات اقدس الهی نزدیک می‌کند و موجب رشد و تربیت معنوی و اخلاقی او می‌شود (بنگرید به: ابن قولویه قمی، ۱۴۲۴ق، باب ۱۸-۳۶). آثار و برکات دنیوی و اخروی فراوانی برای گریستن بر حضرت سیدالشهدا و یارانش و زیارت قبور مطهر آنان از زبان پیامبر اکرم و امامان هدی علیه السلام بیان شده که شگفتنی و حیرت‌رادر ذهن و قلب انسان برمی‌انگیزد (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۵۷۳-۵۷۵). یکی از آموزه‌هایی که در روایات اهل بیت علیه السلام فراوان به آن اشاره شده، این است که «گریستن بر مصائب حضرت سیدالشهدا و خاندان مطهرش، هرچند به اندازه ناچیز، گناهان بزرگ و کوچک مؤمن را می‌زداید و روح و شخصیت او را از کدورت و زنگار معصیت و صفات منفی اخلاقی می‌پیراید (ابن قولویه قمی، ۱۴۲۴ق، باب ۱۸-۳۶). در روایات فراوانی و از جمله گفتگوی امام رضا علیه السلام با ریان بن شیب، این

مضمون بیان شده که: «هرکس بر امام حسین علیه السلام بگریزد، خداوند گناهان بزرگ و کوچک، کم و زیادش را مشمول غفران خود قرار می دهد!» (شیخ صدوق، ۱۳۸۰، باب روایات متفرقه). این مضمون، بی گمان حس شگفتی و ابهام را در ذهن شنونده پدید می آورد و پرسش ها و گاهی شبهاتی را برمی انگیزد: «آیا چنین آثاری برای گریستن بر آن امام، تحلیل و تبیین علمی، منطقی و دینی دارد؟ آیا اعتقاد به مضمون چنین روایاتی، باعث کوچک و کم اهمیت انگاشتن گناه در فرایند تربیت انسان ها نیست؟! آیا این گونه نگرش ها با معارف قرآنی که بر اهمیت مسئله گناه و طاعت خداوند در شخصیت، زندگی و ابدیت وجود انسان تأکید و تصریح فراوان دارد (انشقاق: ۶-۱۵، انفطار: ۶-۱۹ و بروج: ۱۰-۱۱) و تنها راه تطهیر معنوی را توبه معرفی می کند، در تعارض نیست؟! آیا این گونه نگرش ها به جرئت ورزشی بیشینه گناهکاران بر شکستن حریم ارزش های الهی و ارتکاب بی پروای معاصی نمی انجامد?!»

بررسی کتاب ها و مقالاتی که درباره تحلیل آثار گریستن بر امام حسین نگارش یافته، نشان می دهد عمده پاسخ ها و تحلیل ها بر تعبدی بودن مسئله و احیاناً سویه های عرفانی آن تکیه و تأکید دارد. در جستجوهای علمی نگارنده، کتاب یا مقاله ای که این آموزه را از منظر روان شناختی بررسی، تحلیل و تبیین کرده باشد، مشاهده نشد؛ البته مباحث نسبتاً خوبی در تحلیل مسائل دیگری، مانند «رابطه سوگواری بر امام حسین علیه السلام و اختلالات خلقی» یا «رابطه سوگواری و رشد عاطفی و تربیتی اخلاقی» و... نگاشته شده است؛ اما نوشتاری که به تحلیل و تبیین فرایند تطهیر معنوی گریستن بر امام حسین و غفران ذنوب (به ویژه رابطه چند قطره اشک با غفران همه گناهان) پرداخته باشد، دیده نشد. یقیناً تبیین های درون دینی و مبتنی بر روایات فضائل و عرفان ناب شیعی، در جای خود، امر درست و ارزشمند، و برای افراد با ایمان و محبان اهل اخلاص، موجب اطمینان و اعتماد است؛ اما معمولاً برای بسیاری از افرادی که ساختار ذهنی شان با سبک تجربی انس دارد، به آسانی پذیرفتنی نیست؛ از این رو ضرورت ارائه تحلیل و تبیین روان شناختی، این آموزه، به خوبی احساس می شود. هدف نوشتار حاضر ارائه تحلیل روان شناختی ماهیت و فرایند گریستن بر امام حسین علیه السلام و تبیین اثر تطهیرکنندگی آن نسبت به گناهان فرد سوگوار، معطوف به روایت ریان بن شیبیب و در تناظر با آموزه توبه در فرهنگ اسلامی است. در این پژوهش با بهره جستن از آیات قرآن کریم، روایات اهل بیت علیهم السلام، نظریه های روان شناختی و تأملات فلسفی، کوشیده ایم تا آموزه مغفرت بخشی گریستن بر

امام حسین را از لحاظ روان‌شناختی تحلیل و تبیین کنیم. روش تحقیق در این نوشتار، روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای اجرا شده است.

## ۱. سوگواری و گریستن بر امام حسین در روایات اسلامی

در منابع شیعه روایات فراوانی درباره فضیلت و آثار دنیوی، اخروی و معنوی زیارت، گریستن و سوگواری بر سید و سالار شهیدان، امام حسین و فرزندان و یاران باوفای او علیهم‌السلام وجود دارد (درگاهی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۱-۲۷؛ ابن قولویه القمی، ۱۴۲۴ق، باب ۱۸-۳۶). در پاره‌ای از آن روایات، انجام سوگواری، به ویژه گریستن بر مصائب امام حسین علیهم‌السلام، پیراینده گناهان، عامل رقای معنوی و نزدیکی مؤمن سوگوار به خدای سبحان معرفی شده است (همان). یکی از روایات مشهور و شگفت‌انگیز در این راستا، روایت ریان بن شیبیب از امام رضا علیهم‌السلام است (شیخ الصدوق، ۱۳۸۰، باب روایات متفرقه). ریان بن شیبیب ماجرا را این‌گونه روایت می‌کند: «روز اول محرم الحرام به محضر امام رضا علیهم‌السلام شرفیاب شدم. امام به من فرمود: «پسر شیبیب! ... اگر بر حسین گریستی تا آنکه اشک‌هایت بر گونه‌هایت روان شد، خداوند همه گناهانت را می‌آمرزد؛ چه بزرگ و چه کوچک، چه کم و چه زیاد!» پسر شیبیب! اگر دوست داری خدا را در حالی دیدار کنی که گناهی بر تو نباشد، حسین علیهم‌السلام را زیارت کن! پسر شیبیب! اگر دوست داری در غرفه‌های برپاشده در بهشت با پیامبر باشی، برکشندگان حسین لعنت فرست. پسر شیبیب! اگر دوست داری پاداشی همانند پاداش یاران شهید حسین داشته باشی، هرگاه یادی از او کردی بگو: ای کاش با آنان می‌بودم و به آن بهره بزرگ نائل شده بودم! پسر شیبیب! اگر دوست داری در درجه‌های برتر بهشت با ما اهل بیت باشی، در اندوه ما اندوهگین و در سرور ما سرور باش! و بر توباد به ولایت ما که اگر

کسی، سنگی را دوست بدارد، خداوند او را با آن محشور گرداند!».<sup>۱</sup>

## ۲. حقیقت توبه از منظر فرهنگ اسلامی<sup>۲</sup>

از نگاه معارف اسلامی مهم‌ترین روش تطهیر معنوی گناهان، توبه است. آیات (تحریم: ۸، فرقان: ۷۰) و روایات پرشماری بر اهمیت توبه و آثار دنیایی و اخروی آن تأکید دارند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، فصل ۵۷، موضوع توبه). آنچه از نظر شارع برای انسان واجب شده، تطهیر مداوم آلودگی‌های

۱. بررسی تک‌تک روایات وارد شده در موضوع گریستن بر امام حسین علیه السلام، از لحاظ سندی و دلالی، ضروری نیست؛ زیرا قواعد فهم متن، مقتضی آن است که تواتر اجمالی، همانند تواتر تفصیلی، از ارزش و اعتبار معرفت‌شناختی برخوردار بوده و موجد یقین و دست‌کم اطمینان عرفی است (صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴۱-۱۴۲) و همین اندازه برای اثبات اصل مدعی ما (اثبات صدور مضمون آموزه مغفرت بخشی گریستن بر امام حسین از معصومان علیهم السلام) کافی است. بنابراین انکار اصل صدور روایات این باب و دست‌شستن از ظواهر آن کار آسانی نیست؛ از این رو، بر اساس قواعد فهم و تفسیر کلام، جز پذیرفتن اصل صدور و معنای ظاهری روایات نامبرده چاره دیگری وجود ندارد (خراسانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۳-۳۲۴). لیکن در این راستا از باب بررسی نمونه‌ای از روایات صحیح‌السند، سند روایت رتبان بن شیبب را از لحاظ اعتبار رجالی بررسی می‌کنیم:

مرحوم شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) در کتاب شریف عیون اخبار الرضا علیه السلام سند روایت را این‌گونه توصیف فرموده است: «شیخ صدوق از استادش محمد بن علی ماجیلویه، از علی بن ابراهیم قمی از پدرش از رتبان بن شیبب روایت کرده که گفت: روز اول محرم بر امام رضا علیه السلام وارد شدم ... در سند این روایت از پنج شخصیت مهم حدیثی نام برده شده که به ترتیب زنجیره سند، نظر عالمان رجالی درباره هریک را بیان می‌کنیم:

۱) شیخ الصدوق: شیخ صدوق علیه السلام (۳۰۶-۳۸۱ق) از بزرگ‌ترین محدثان نام‌آور شیعی است که در دوران غیبت صغری می‌زیسته و تولد او به برکت دعا و بشارت امام زمان علیه السلام صورت گرفته است (فهرس النجاشی، ص ۱۸۴؛ غیبه الطوسی، ص ۲۰۱ و اکمال الدین و اتمام النعمه الصدوق، ص ۲۷۶؛ به نقل از: سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۷۳). همه رجالیان شیعه و سنی او را توثیق کرده و از وجوه و برجستگان طائفه امامیه بر شمرده‌اند (بسام، ۱۴۲۶ق، ص ۳۴۹-۳۵۰).

۲) محمد بن علی بن ماجیلویه: وی از مشایخ صدوق به‌شمار می‌رود و شیخ در کتاب‌های خود بسیار از او نقل روایت کرده است. وثاقت ماجیلویه از دو طریق اثبات پذیراست: الف) کثرت نقل ثقه (شیخ صدوق) از او (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۵۰؛ ب) صدوق در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه مشایخ خود را توثیق کرده است.

۳) علی بن ابراهیم قمی: علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، از محدثان بنام شیعه است. پدرش هاشم، کوفی الاصل و از علما و محدثان کوفه است که به قم نقل مکان کرده و در آنجا اقامت گزید و از این رو، علی بن ابراهیم در محیط فرهنگی و مذهبی قم پرورش یافت. در وثاقت علی بن ابراهیم در میان رجالیان شیعه اختلافی نیست و همه با اتفاق نظر او را توثیق کرده‌اند (همان، جزء ۱۱، ص ۱۹۴، ش ۷۸۱۶؛ النجاشی، ص ۲۶۰، ش ۶۸۰).

۴) پدر علی بن ابراهیم قمی: ابراهیم بن هاشم، پدر علی است. او اگرچه از جانب رجالیان به صراحت توثیق نشده، اما درباره او نکوهشی هم از سوی ایشان مطرح نشده است. در برخی از کتاب‌های رجالی در وصف او تعبیرهایی به کار رفته که می‌تواند نشانگر وثاقت او باشد (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۸۶). نیز بنا بر نظر برخی از رجالیان، کثرت روایت علی بن ابراهیم از پدر، از نشانه‌های وثاقت اوست (سبحانی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۵۰).

۵) رتبان بن شیبب: آیت‌الله خویی وی را توثیق کرده و از ظاهر عبارت ایشان چنین برمی‌آید که در وثاقت او اختلافی نیست (بسام، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۴۷).

براین اساس روایت رتبان بن شیبب از روایات درست و معتبری است که درباره فضائل و آثار گریستن بر امام حسین علیه السلام وارد شده و در کنار روایات معتبر و فراوان دیگر، تواتر اجمالی به صحت صدور آموزه «گریستن بر امام حسین گناهان را می‌آمرزد» از اهل بیت علیهم السلام را تأمین می‌کند.

۲. بررسی تحلیلی توبه در این پژوهش از آن‌رو است که توبه سازوکار اصلی، اصیل و مورد اتفاق همه ادیان الهی است و هر رفتاری که سازوکار توبه را در خود داشته باشد، اثر مغفرت بخشی خواهد داشت. در این بخش با تحلیل حقیقت و فرایند روان‌شناختی توبه نشان داده‌ام که همه سازوکارهای مغفرت بخشی در فرهنگ اسلامی، فرایندی شبیه توبه دارد و اگر اثبات کنیم که گریستن بر امام حسین علیه السلام نیز چنین فرایند و حقیقتی در خود دارد، آنگاه پذیرش مغفرت بخشی آن آسان خواهد بود.

معنوی است که از اثر مخالفت با اراده تشریحی خداوند (اعم از اوامر و نواهی شرعی و اخلاقی) در قلب (ذهن و روان) انسان مؤمن پدید می‌آید (هود: ۱۱۸-۱۱۹). درحقیقت، توبه یکی از سازوکارهای تطهیر معنوی است و نسبت به هدف متعالی قرب الی الله، جنبه آلیت و طریقت دارد. توبه مهم‌ترین سازوکار تطهیر از گناهان و واجبی عقلی، شرعی و اخلاقی است. انسان با انجام گناهان، خود را در معرض کیفر الهی قرار می‌دهد و اصرار بر گناهان ممکن است او را برای همیشه از رحمت و لطف الهی دور گرداند (بقره: ۷). بنا به «قاعده وجوب دفع ضرر محتمل»، عقلاً بر انسان واجب است که پس از ارتکاب هر گناه در اولین فرصت ممکن توبه کرده و خود را در معرض رحمت و آمرزش خداوند قرار دهد. در آیات فراوانی اهل ایمان با امر «توبوا» و نظائر آن به توبه امر شده‌اند (تحریم: ۸؛ نور: ۳۱). صیغه امر توبوا، ظهور در وجوب دارد، لذا توبه واجب شرعی هم به حساب می‌آید؛ یعنی بر مؤمن گناهکار واجب است که بی‌درنگ از گناهان خود توبه کرده و به رحمت خداوند بازگردد. البته فوریت انجام توبه به دلالت عقل است؛ زیرا تأخیر در انجام توبه، با توجه به حتمیت آثار منفی معنوی گناه (روم: ۱۰) و حتمیت و ناگهانی بودن مرگ، موجب ضرر قطعی است و دفع ضرر محتمل، چه رسد به ضرر قطعی، عقلاً واجب است و همین امر بر لزوم فوریت عقلی توبه دلالت می‌کند. توبه، فضیلتی اخلاقی هم به شمار می‌رود؛ وجدان اخلاقی، به روشنی درک می‌کند که توبه، رفتاری نیکو (حسن) است و آثار نیکویی را در ساحت وجود انسان و جامعه انسانی موجب می‌شود. بنا به تصریح قرآن کریم (فرقان: ۷۰) توبه نه تنها گناهان را می‌زداید، بلکه خداوند مهربان به عنوان پاداش توبه، گناهان تائب را به حسنات تبدیل می‌کند. بر این اساس توبه مهم‌ترین عامل «تطهیر روح مؤمن از گناهان» است و این آموزه از ضروریات دینی محسوب می‌شود. پس از اثبات اصل وجوب توبه پاسخ به دو پرسش ضروری می‌نماید: ۱. حقیقت توبه چیست؟ ۲. آیا توبه تنها راه پاک شدن از گناهان است؟

در پاسخ به دو پرسش نخست گفتنی است: توبه در لغت، اسم مصدر از ریشه واژگانی توب، به معنای بازگشت، و در اصطلاح شرعی، عبارت است از پشیمانی و دست کشیدن از گناه و بازگشت وجودی بنده به سوی خدا (انیس و دیگران، ۱۳۱۲ق، ماده توب). حقیقت توبه در معارف اسلامی عبارت است از احساس پشیمانی از راه، روش و رفتاری که عقل، وجدان اخلاقی و



معرفت ایمانی انسان آن را ناشایست دانسته و ترک آن را لازم می‌شمارد<sup>۱</sup> (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۴۲، ۲۱۴۴ و ۲۱۴۵ و ۲۱۵۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بنده‌ای که از کار زشتش پشیمان شود، حتی پیش از آنکه استغفار کند، از جانب خداوند بخشیده می‌شود» (همان). در برخی از روایات اسلامی فراتر از پشیمانی، به امور دیگری<sup>۲</sup> اشاره شده (نهج البلاغه: کلمات قصار، ۴۱۷) که هیچ‌کدام از این امور جزء حقیقت توبه نیست، بلکه از شمار شرایطی کمال و مانایی آن است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۴۲-۶۴۴).

احساس پشیمانی، یعنی نفرت از عمل یا اعمال پیشین و میل و عزم حرکت در مسیر مشروع و معقول، همان حقیقت توبه است و وقوع این پدیده روان‌شناختی در روان انسان، موجب می‌شود که در همان لحظه توبه، هویت معنوی-اخلاقی فرد از هویت عبد عاصی، به عبد تائب، متحول شود. بر اثر این دگرگونی هویتی نه تنها گناهان فرد آرزیده می‌شود، بلکه لوازم معنوی، اخلاقی و حتی برخی از لوازم وضعی، طبیعی و تشریحی گناهان او هم از میان رفته و بالاتر از آن، بدی‌ها به حسنات مبدل می‌شود (زمز: ۵۴، فرقان: ۷۰). براساس این تعریف و تحلیل، ماهیت توبه، از لحاظ روان‌شناختی، از پیدایش تحول عمیق، اختیاری و آگاهانه فرد گناهکار در دو ساحت فکر و انگیزش و متعاقب آن، تحوّل در رفتار او حکایت می‌کند. تحوّل در این سه ساحت، به تحوّل در بُعد چهارم وجود فرد، یعنی، هویت انسانی، می‌انجامد. هویت شخصی هر انسان، محصول الگوهای نسبتاً ثابت و پایدار فکری، انگیزشی<sup>۳</sup> و رفتاری است که شناختی متناسب از «خود»<sup>۴</sup> را برای او ایجاد می‌کند. با تحول در ساحت‌های سه‌گانه، هویت معنوی-اخلاقی انسان هم دستخوش تحول مثبت یا منفی می‌گردد؛ دو اصطلاح «عبد عاصی» و «عبد مطیع» که فراوان در ادبیات دینی (اعم از قرآن، روایات، دعاها و زیارات) وارد شده، در حقیقت از دو گونه هویت انسانی متفاوت حکایت می‌کند.

در پاسخ به پرسش دوم نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پدید آمدن فرایند توبه، گاه عامل درونی و گاهی عامل بیرونی دارد. به سخن دیگر، گاهی ممکن است تأملی درونی و گاهی حادثه‌ای بیرونی موجب شود که فرد گناهکار با مطالعه و تأمل وضعیت رفتاری، انگیزشی و فکری خود

۱. قال الباقر علیه السلام: کفی بالندم توبه. الامام علی علیه السلام: ندم القلب یکفر الذنب.

۲. مانند ذکر شریف استغفار، جبران واجبات ترک شده، آب کردن گوشتی که از لذت گناه به بدن گنهکار روییده، چشانندن درد طاعت به نفس، همان‌گونه که لذت معصیت را چشیده است.

۳. از آن رو به جای عاطفه و احساس از انگیزش نام بردیم که غالباً عنصر انگیزش افزون بر مؤلفه احساس، مؤلفه اراده را هم در خود دارد.

4. self.

به این بینش دست یابد که رفتار یا رفتارهایش و یا سبک زندگی‌اش با اعتقادات بنیادین و ارزش‌هایی که از نظر عقل یا دین به صورت عمیقی به آن باور دارد یا لازم است به آن باور داشته باشد، در تعارض است. ادراک دوگانگی میان اعتقادات بنیادین و رفتارهای کنونی، احساس نفرت از وضعیت کنونی و میل به تغییر آن به سوی وضعیت مطلوب و پسندیده را در ذهن و قلب فرد پدید می‌آورد. بر این اساس می‌توان گفت حقیقت توبه، از لحاظ روان‌شناختی، همان تحوّل روانی در ساحت فکر و انگیزش و متعاقب آن در سطح رفتار است. این فرایند از تغییر وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب را به دنبال داشته و انسان را از هویت «عبد عاصی» به «عبد مطیع» متحول می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲۱۵۹). تحلیل ارائه شده از توبه در آیات و روایات دینی، به روشنی بر مسئله تعارض‌های روان‌شناختی و فرایند حل آن در پدیده اضطراب اخلاقی، در مکتب روان‌تحلیل‌گری فرویدی منطبق است. تعارض روانی، حالتی است که در اثر تراجم یک یا چند کشاننده زیستی با موقعیت‌ها و موانع واقعی زندگی اجتماعی یا ارزش‌های اخلاقی پدید می‌آید و اضطرابی آزادکننده و آسیب‌زا را در روان فرد ایجاد می‌کند (شولتز، ۱۳۸۳). اضطراب، حالت ناخوشایندی است که روان فرد را آزار می‌دهد و به موقعیتی آسیب‌زننده یا خطری در آینده نامعین وابسته است. در چنین شرایطی معمولاً افراد برای رهایی از اضطراب، هشیارانه و ناهشیارانه به فعالیت‌های خاصی رو می‌آورند (دادستان، ۱۳۸۳). انسان‌ها در هنگام تعارض میان کشاننده‌های زیستی و ارزش‌های اخلاقی، ممکن است به صورت‌های متفاوتی رفتار کنند؛ برخی درصدد ارضای کشاننده‌های خود برمی‌آیند، برخی (با اختیار خود یا از روی اضطراب یا اکراه) از ارزش‌های اخلاقی پیروی می‌کنند و برخی دچار سردرگمی شده و برای رفع موقت تعارض، به مکانیزم‌های دفاعی ناهشیار و غیرعقلانی متوسل می‌شوند (شولتز، ۱۳۸۳). کسانی که در هنگام تعارض میان کشاننده‌های زیستی ممنوع از نظر دین یا اخلاق، از روی اختیار و آگاهی از ارزش‌های اخلاقی پیروی می‌کنند، در واقع با حل تعارض روانی خود و رفع اضطراب اخلاقی، به سود ارزش‌های اخلاقی، از راهبرد رفتاری والایش‌کشاننده استفاده می‌کنند. والایش‌کشاننده عبارت است از: جابه‌جایی انرژی آن از رفتار نامقبول اخلاقی به رفتار مقبول و مورد تأیید اخلاق. والایش یکی از مکانیزم‌های حل تعارض روانی و دفاع در برابر اضطراب است (همان، ص ۶۷). جابه‌جایی انرژی روانی اگر به صورت ناهشیار انجام گیرد، مکانیزم دفاعی و اگر اختیاری و مبتنی بر انتخاب آگاهانه انجام شود،



نوعی راهبرد رفتاری سازگارانه به شمار می‌آید. با توجه به تبیین‌هایی که از ماهیت و فرایند توبه در آموزه‌های اسلامی (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۳۶-۶۵۳) وجود دارد، می‌توان توبه را نوعی راهبرد روان‌شناختی سازگارانه برای حل تعارض میان کشاننده‌های زیستی طبیعی (ممنوع از نظر شرع و اخلاق) و ارزش‌های دینی و اخلاقی دانست.

بنا بر آیات و روایات دینی، توبه حقیقی و به تعبیر قرآن کریم، توبه نصوح (تحریم: ۸) از لحاظ روان‌شناختی و وجودی چنان قدرت و تأثیر شگرفی دارد که همه گناهان کوچک و بزرگ انسان تائب را از بین می‌برد و او را همانند کسی که تاکنون مرتکب گناهی نشده، از ظلمت و زنگار گناه می‌پیراید.<sup>۱</sup> (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۳۶، ش ۲۱۱۶)؛ بنابراین، حقیقت توبه و آثار روان‌شناختی، معنوی، تشریحی و تکوینی آن به چیزی غیر از خود توبه وابسته نیست، بلکه خود توبه عاملیت تمامی در پدید آمدن حالات وجودی و روان‌شناختی آن (اعم از شناختی، انگیزشی، رفتاری و هویتی) دارد.

### ۳. سازوکارهای دیگر مغفرت در معارف اسلامی

مرور معارف و آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که افزون بر آموزه توبه، رفتارها و سازوکارهای دیگری برای مغفرت (تطهیر گناهان) معرفی شده است؛<sup>۲</sup> هر چند توبه بهترین راه پاک شدن از گناهان به شمار آمده است<sup>۳</sup> (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۳۶، ش ۲۱۱۳). تحلیل روان‌شناختی توبه و دیگر سازوکارهای تطهیر گناهان بیانگر آن است که ماهیت و حقیقت اکثر این سازوکارها، همان ماهیت توبه، یعنی اعراض از بدی و زشتی و میل به خوبی و زیبایی است و همه آنها مستلزم نوعی تحول روان‌شناختی در فکر، انگیزش و رفتار انسان است. هر چند نام توبه بر آن سازوکارها نهاده نشده باشد، اما همه آنها از حقیقت توبه بهره می‌برند و آثار توبه را در وجود فرد ایجاد می‌کنند. خداوند حکیم و مهربان با آگاهی از کثرت گناهان بشر از یک سو و ناآگاهی، غفلت و ناتوانی او در شناخت انواع و مراتب گناهان از سوی دیگر و در نتیجه ناتوانی از تحوّل مثبت اختیاری و آگاهانه در مورد بسیاری از گناهان، سازوکارهای دیگری را هم برای

۱. قال رسول الله ﷺ: «التائب من الذنب كمن لا ذنب له».

۲. اشاره به سازوکارهای دیگر مغفرت‌بخشی در منابع اسلامی از آن روست که نشان دهیم تنها راه آمرزش گناهان انسان توبه نیست و از منظر اسلام امور دیگری نیز همین کارکرد را دارد. بنابراین، اگر گفته شد گریستن بر امام حسین موجب بخشش گناهان است، استبعادی ندارد.

۳. الامام علی (ع): لا شفیع انجح من التوبه.

تطهیر گناهان انسان قرار داده است. اسلام<sup>۱</sup> (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۵۴۲، ح ۸۷۷۴)، انجام اعمال نیک<sup>۲</sup> (هود: ۱۱۵)، صدقه شبانه<sup>۳</sup> (همان، ج ۷، ص ۳۰۵، ش ۱۰۴۲۷)، خوش خویی، راستگویی، حیا و شکر (همان، ج ۴، ص ۱۹۱۲، ح ۶۶۹۰)، فریادرسی از ستمدیدگان (همان، ح ۶۶۹۱)، سجده زیاد (همان، ح ۶۶۹۴)، صلوات بر محمد و آل محمد (همان، ح ۶۶۹۸)، انجام حج و عمره (همان، ح ۶۶۹۵)، گرفتارهای دنیایی (همان، ح ۶۶۶۱)، نگاه محبت آمیز به همسر (المتقی الهندی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۴۴۴۳۷)، رفتار نیک با همسر (همان، ج ۵، ص ۲۲۶۴-۲۲۶۵)، نیکی به مردم (القمی، ۱۴۱۴، ص ۲۲۲، ح ۵۰)، یتیم نوازی (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۷۱۶۲، ح ۲۲۸۸)، حزن (همان، ج ۴، ص ۱۹۱۰، ح ۶۶۸۲)، بیماری (نهج البلاغه: کلمات قصار، ۴۲)، شهادت در راه خدا (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۸۷۸)، اشک بر مصائب اهل بیت پیامبر ﷺ، به ویژه اشک بر مصائب حضرت سیدالشهدا ﷺ (ابن قولویه القمی، ۱۴۲۴، باب ۱۸-۳۶) برخی از این سازوکارهاست؛ از این رو، تصور اینکه تنها راه تطهیر معنوی از گناهان توبه مصطلح شرعی است، مبنای درستی ندارد.

#### ۴. گریستن بر امام حسین ﷺ و آموزش گناهان

در روایات اهل بیت ﷺ گریستن بر مصائب حضرت اباعبدالله الحسین ﷺ و خاندان و یاران مظلوم او از موجبات تطهیر و غفران گناهان به شمار آمده است (همان). در مقدمه گفته شد که تحلیل و تبیین روان شناختی این آموزه هدف پژوهش حاضر است و در این راستا بررسی، توضیح و تبیین چند امر، ضروری است:

۱-۴. حقیقت توبه، همان دگرگونی قلبی (به معنای قرآنی آن، یعنی مرکز فرماندهی ادراکها و احساسات) انسان و محصول تحوّل شخصیت او در چهار ساحت شناخت، انگیزش، رفتار و هویت معنوی-اخلاقی است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲۱۵۹). براساس آموزه های دینی، جان مایه توبه، جز بازگشت از اطاعت نفس و شیطان (یعنی فرمان دهندگان به شر و زشتی) به سوی خدا، یعنی مبدأ و غایت زیبایی ها و نیکی های اخلاقی در ساحت های پیش گفته، چیز دیگری نیست؛ وگرنه صرف پشیمانی از گناه و زشتی، بدون بازگشت و میل وجودی به سوی خدا، اساساً امر تحقق یافتنی نیست. بنابراین روایات فراوان، تحقق توبه و اثبات

۱. قال رسول الله ﷺ: الإسلام يجب ما قبله؛ اسلام گناهان و لوازم گناهان پیش از خود را جبران می کند.

۲. «... إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِمْنَ السَّيِّئَاتِ...».

۳. الامام الصادق ﷺ: ان صدقه الليل تطفي غضب الرب وتمحو الذنب العظيم....

آن بر وجود آثاری مبتنی است که پس از توبه در افکار، انگیزه‌ها، رفتارها و هویت تائب دیده می‌شود و صرف پشیمانی بدون وجود آثار توبه، نشانه گویایی بر تحقق نیافتن توبه است (همان)، چراکه انسان در هر حال یا ربه سوی خدا و یا ربه سوی غیرخدا دارد و حالت سومی متصور نیست (یس: ۶۰-۶۱). در همه آیاتی که مردم یا اهل ایمان به توبه دعوت شده‌اند، جهت توبه (الی الله) هم مشخص شده است (بنگرید به: تحریم: ۸ و ذاریات: ۵۰-۵۱ و بقره: ۵۴). بر این اساس هرگونه تحولی که انسان را در چهار بعد شناخت، انگیزه، رفتار و هویت معنوی-اخلاقی، به سمت خداوند، که مبدأ خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، مایل کند، از همان کارکرد توبه برخوردار بوده و همان آثار توبه را به دنبال دارد. پس اگر توبه، تطهیر از تاریکی و زنگار گناه و نافرمانی خداوند را موجب می‌شود، سازوکارهای دیگری هم که ماهیتی نظیر توبه دارد، به طور یقین همان تأثیرهای توبه را به بار خواهد آورد. به نظر نگارنده فرایند تحوّل وجودی و روان‌شناختی که در هستی و هویت معنوی-اخلاقی انسان در لحظات گریستن بر امام حسین (علیه السلام) رخ می‌دهد، همان فرایندی است که در هنگام توبه در وجود انسان تائب روی می‌دهد؛ هرچند آداب، تشریفات و خصوصیات ظاهری آن دو با یکدیگر متفاوت است. نتیجه این تناظر آن است که حقیقت گریستن بر امام حسین (علیه السلام)، همان حقیقت توبه است و همان‌گونه که به صرف تحقق توبه، تمام گناهان انسان گناهکار آرمزیده می‌شود، صرف جوشش اشک بر گونه‌های سوگوار مؤمن بر امام حسین (علیه السلام) چنین نتیجه‌ای را به دنبال خواهد داشت، البته تبیین این تناظر با تحلیل مباحثی که در ادامه نوشتار مطرح می‌شود، روشن‌تر خواهد شد.

۲-۴. اولیای الهی تمام وجود خود را در اسما و صفات خداوند فانی کرده و یکسره خدایی شده‌اند (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه و زیارت رجبیه)؛ جزا و نمی‌بینند و جزا و نمی‌خواهند و جزا و نمی‌جویند (تکویر: ۲۹) و از این رو، محبت و گرایش به آنان، در حقیقت محبت و گرایش به خداست و انسان را در ساحت‌های چهارگانه وجودی‌اش (شناخت، انگیزه، رفتار و هویت معنوی-اخلاقی) به سوی خداوند راه می‌برد. به همین سبب در بسیاری از روایات، محبت اهل بیت، به‌ویژه امام علی (علیه السلام)، ایمان، و بغض آنان کفر و نفاق معرفی شده است (بنگرید به: محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۶۶-۲۷۰). انسان مؤمن هنگامی که از عظمت، جلالت، شرافت وجودی و روح پرفضیلت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) یاد می‌کند و قلبش از محبت به آن ولی فانی در حق، لبریز می‌شود یا هنگامی که مصیبتی از مصائب آن حضرت را در ذهنش مرور کرده،

عاطفه‌اش به جوش آمده و اندوهش به سبب ستم‌ها و جنایت‌هایی که بر آن وجود مقدس و اصحاب باوفایش رفته، در قطره‌های اشک تجلی می‌کند، در آن لحظه‌ها روحش متحدانه با روح مقدس و فانی شده در حق امام حسین علیه السلام به تکاپو می‌افتد و از بدی‌ها و زشتی‌ها فاصله گرفته و به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌ها و مبدأ آن، یعنی خداوند متعال، به حرکت درمی‌آید. امام معصوم علیه السلام تجسم همه خوبی‌ها و فضائلی است که از خداوند سرچشمه می‌گیرد (حمد: ۲؛ نیز بنگرید به: محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۴؛ نیز بنگرید به: قمی، ۱۳۷۸، زیارت جامعه کبیره) و فطرت خداجوی انسان به آن متمایل است (روم: ۳۰). امام جانشین خدا بر روی زمین است و در میان موجودات امکانی، بیشترین شباهت و قرابت را با حضرت حق دارد (بنگرید به: محمدی ری شهری: ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۶۶-۲۷۰؛ نیز بنگرید به: قمی، ۱۳۷۸، زیارت جامعه کبیره). از این رو، ذکر فضیلت‌های امام و بیان شور و شوق قلبی و احساس محبت به او که در ریزش اشک‌های محبّ جلوه‌گر می‌شود، شخصیت او را در ابعاد چهارگانه، دگرگون ساخته و رنگ خدایی می‌بخشد (بقره: ۱۳۸). همان‌گونه که محبت به امام و ولی خدا، برخاسته از محبت خداست، اشک بر مصائب امام و ولی خدا هم در محبت عمیق سوگوار به خدا ریشه دارد. اشک بر مصائب و مظلومیت امام حسین، در حقیقت اشک بر مظلومیت خداست. وقتی ولی خدا در زمین مورد ظلم و جنایت قرار می‌گیرد، گویی خود خدا بر زمین مظلوم و مجنی علیه واقع شده است (احزاب: ۵۷). در لحظات جوشش عاطفه فرد محب و سوگوار بر امام حسین به راستی همان حقیقت توبه در وجود او تحقق می‌یابد و آثار معنوی توبه هم که تطهیر وجود انسان از ظلمت و زنگار گناهان است، محقق می‌شود. در برخی از زیارت‌نامه‌های مخصوص امام حسین (مانند زیارتی که شیخ مفید و سید بن طاووس نقل کرده‌اند) به ژائر چنین تعلیم می‌شود که در وقت زیارت خطاب به امام بگوید: «... یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً...» (قمی، ۱۳۷۸، ص ۷۲۴). دقت در برخی از فرازهای زیارت عاشورا هم به چنین تحوّل وجودی ژائرو سوگوار گریان بر امام حسین اشاره دارد. ژائری که با قرائت زیارت عاشورا (همان، ص ۷۵۲) به خداوند تقرب می‌جوید، در ابتدای زیارت میان خود و امام حسین فاصله‌ای در ساحت‌های گوناگون وجودی احساس می‌کند و از این رو، سفر روان‌شناختی و معنوی خود را از وجود خود آغاز و هجرتی معنوی را به سوی وجود روحانی امام علیه السلام آغاز می‌کند. در این مرحله، ژائر از خداوند می‌خواهد که او

را با طلب خونخواهی امام حسین (علیه السلام) به همراه امام مهدی به مقام اکرام برساند<sup>۱</sup> (یعنی در این مرحله در خواست زائر، شرکت در امر خونخواهی امام حسین (علیه السلام) است)؛ اما سیر تحول وجودی او همچنان ادامه می‌یابد و فنا در ولی خدا و مشارکت در افکار، انگیزه‌ها، هدف‌ها و برنامه‌های او، زائر را به مرتبه‌ای می‌رساند که گویی خود را با وجود امام متحد می‌بیند و همه افکار، عواطف و احساسات (بلکه هویت ایمانی) او با افکار، احساسات، انگیزه‌ها و رفتارهای (بلکه هویت ایمانی) امام یگانه می‌شود. به همین سبب، در فراز دیگری، زائر به جای طلب خونخواهی امام، خونخواهی خودش به همراه امام مهدی را از خداوند درخواست می‌کند!<sup>۲</sup> بنابراین، همچنان که گریستن بر فراق از دوری خدا (جنب الله) (زمر: ۵۶) شوینده آلودگی‌های گناه و گریستن بر امام معصوم هم از همان حقیقت لبریز است، همان آثار گریه تابانه را در خود دارد و تطهیر معنوی انسان سوگوار را به دنبال می‌آورد.

۲. از منظری دیگر گریستن بر امام حسین (علیه السلام)، رفتاری نمادین و نشانه و تبلور جوشش عمیق و روان‌شناسانه وجود انسان در میل به خوبی‌ها و زیبایی‌هاست. زیبایی‌ها و فضیلت‌هایی که از وجود امام، فرزندان و یارانش تجلی نموده و همواره در زندگی انسان‌ها در تبلور است؛ همچنان که اشک بر مصائب آنان، نماد و نشانه تنفراز بدی‌ها و زشتی‌هایی است که افکار، عواطف، انگیزه‌ها، رفتارها و هویت اخلاقی یزید و یزیدیان پدید آورده و همواره پدید می‌آورند. گریستن بر امام حسین، در واقع زبان بدن و روان مؤمنی است که از ژرفای هستی خود همراهی با امام حسین و ستیز با دشمنان او را بیان می‌کند. معنای گریستن بر حسین بن علی همان دفاع از مظلوم، سرکوب ظالم و اعلام برائت از اعمال ظالمانه او، اعلام حمایت از مکتب، راه و ارزش‌های حسینی و به عبارت روشن‌تر، پاسخ مثبت به «هل من ناصرینصرنی» امام در برپایی ارزش‌های الهی است. همه این امور، حقیقت تطهیر معنوی - اخلاقی انسان از بدی‌ها و زشتی‌های فکری، انگیزشی و رفتاری و تحول او به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌های معنوی - اخلاقی در ساحت‌های چهارگانه است. در روایات فراوانی از اهل بیت (علیهم السلام) رضایت به افکار، انگیزه‌ها و رفتارهای یک فرد یا گروه، انسان را در سرنوشت نیک یا بد آنها سهیم و شریک می‌کند (بنگرید به: محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷) و گریستن بر امام حسین اعلام رضایت به راه، روش، منش و مکتب اوست.

۱. ... فأسئل الله الذی اکرم مقامک و اکرمنی بک أن یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور ...

۲. ... و ان یرزقنی طلب ثاری مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم ...

از منظری دیگر سوگواری بر امام حسین از حسناتی است که زدودن سیئات را موجب می‌شود (هود: ۱۱۴). کسی که راه، هدف و ارزش‌های امام را نمی‌پذیرد و با نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای امویان سرستیز و مخالفت ندارد، هرگز قادر نیست با امام هم‌ذات‌پنداری کرده و در تجربه ناب او سهیم شود. چنین فردی هیچ‌گاه محبتش به سمت امام نمی‌جوشد و در نتیجه بر آن امام و مصیبت‌هایش اشکی نخواهد ریخت. گریستن بر امام حسین، به مثابه عهدی است که مؤمن با امام خویش بر سر یاری حق و حقیقت و دشمنی با باطل و ناراستی می‌بندد و حقیقت آن جز بازگشت اختیاری و آگاهانه به سوی خدا (توبه) چیزی دیگری نیست!

۳. در اینجا ممکن است پرسش دیگری مطرح شود و آن اینکه بسا افرادی که در لحظه‌ای چنان تحوّل عمیق معنوی برایشان رخ دهد و از روی حقیقت بر امام حسین بگریزند، اما در لحظه‌های پسین دوباره به سوی گناه و بدی متمایل شده و اهل نافرمانی خدا و ولی او شوند؛ حال با توجه به این دگرگونی‌های احتمالی و احیاناً پی‌درپی، چگونه می‌توان مغفرت بخشی همه گناهان در اثر گریستن را اثبات کرد؟ در پاسخ به این پرسش گفتنی است: از منظر آیات و روایات اسلامی بهشت موعود، از آن انسان‌های با ایمان است (اعراف: ۴۲) و کافرانی که با علم، عمد و از سر لجاجت ایمان نیاورند، به بهشت راه نمی‌یابند (همان: ۴۰)؛ اما اینکه حقیقت بهشت و جهنم چیست و نسبت آن با وجود انسان، تحولات و تطوّرات وجودی مداوم و متکثرا و چگونه تبیین می‌شود، مسئله دیگری است. این مسئله همواره در میان متکلمان و فیلسوفان مورد بحث و تأمل بوده است. از آنجا که بهشت و جهنم از مهم‌ترین مفاهیم هستی‌شناختی و انسان‌شناختی در جهان‌بینی اسلامی است، یقیناً هر تفسیری از حقیقت بهشت و جهنم و نسبت آن با وجود انسان، تأثیر معرفت‌شناختی و وجودشناختی متفاوتی بر فهم ما از بسیاری از آیات و روایات اسلامی در پی خواهد داشت. برخی از متکلمان، بسیاری از اخباریان و اهل حدیث و عموم مردم می‌پندارند که بهشت و جهنم دو مکان جدا و متمایز از وجود انسان است و انسان‌های مؤمن در روز قیامت وارد بهشت و انسان‌های کافر و معاند به جهنم وارد می‌شوند. در حالی که دقت در آیات قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و تأملات فلسفی و عرفانی، تبیین دقیق‌تر و عمیق‌تری از گناه و طاعت، بهشت و جهنم و پاداش و کیفر به دست می‌دهد. قرآن کریم جهان آخرت را باطن این زندگی (روم: ۷) و بهشت و جهنم را محصول اعمال (تحریم: ۷) و نیات (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۶۵۷-۶۵۸۴) و به بیان دقیق‌تر، محصول هویت و شخصیت



ثبات یافته انسان معرفی می‌کند. رابطه میان عمل و محصول عمل در روایات اسلامی به رابطه میان کاشت و برداشت محصول کشاورزی (نهج البلاغه: یا فروش عمل به خدا و خرید بهشت از او (بقره: ۱۶، توبه: ۱۱۱) و یا به تجارت سودمند و به کار انداختن سرمایه وجودی با ارزش افزوده بسیار زیاد (بقره: ۲۶۱، توبه: ۱۱۱) تشبیه شده است. انسان با ورود در حیات دنیا و به دست آوردن فرصت انجام اعمال نیک و بد، ساختن بهشت و جهنم در باطن وجود خود را آغاز و تا واپسین لحظات عمر در حال برساختن، ویران کردن، تعمیر، ترمیم، نوسازی و بهسازی مداوم بهشت یا دوزخ، در گستره هستی خود است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۵۲۰-۵۲۳). کاشتن نیت‌ها و انگیزه‌های خوب یا بد، پرورش صفات نیک و بد در عمق شخصیت و رفتارهای صالح و ناصالح برآمده از آن صفات (که همان هویت معنوی-اخلاقی حقیقی انسان و به تعبیر قرآن کریم (اسراء: ۸۴) شاکله اوست) در حقیقت بهشت یا دوزخ وجودی انسان را رقم می‌زند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۳۳-۲۳۵)؛ در حقیقت همین صورت معنوی وجودی است که پس از مرگ در قامت بهشت یا جهنم ملکوتی فرد جلوه‌گر شده و انواع نعمت‌ها و پاداش‌ها یا انواع کیفرها و صورت‌های پلید و موحش را در عمق هستی او به تجربه عمیق وجودی ایجاد می‌کند (همان). به دیگر سخن، بهشت و جهنم، تجربه وجودی برهنه و خالص انسان در عمق وجود خویش است که با پاره شدن تعلق روح از جسم و شخصیت از کالبد، به تمامی برای فرد صورت تحقق می‌یابد. براساس این تبیین از رابطه انسان و عمل و عمل با پاداش یا کیفر و پاداش و کیفر با بهشت و جهنم، درک بسیاری از آیات و روایات دینی آسان می‌شود.

ذنب از ریشه واژگانی ذَنْب، در لغت، نخست به معنای دم حیوان (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ماده ذنب) و سپس به صورت استعاره، در معانی دیگری به کار رفته است. واژه ذنب در قرآن کریم و روایات، گاهی به معنای پیامد عمل (فتح: ۲)، گاهی به معنای نصیب و بهره (ذاریات: ۵۹) و گاه به معنای گناه (زمر: ۵۳) آمده است (قرشی، ۱۳۷۵، ماده ذنب). نامیدن گناه به ذنب، در واقع نوعی استعاره تحقیقیه است؛ زیرا هر گناهی که از انسان سر می‌زند، اثروردی بر شخصیت و وجود او پدید می‌آورد که همچون دم حیوان، همواره با اوست و از او جدا نمی‌شود. ذنوب یا پیامدهای رفتارهای نیک و بد، پدیدآورنده صفات نسبتاً پایدار شخصیتی-اخلاقی در وجود انسان است. وقتی در وجود انسان فضائل اخلاقی در کنار هم قرار گیرد، بهشتی از خصلت‌های زیبا پدید می‌آید که هم صاحب آن صفات و هم دیگرانسان‌ها در سایه سار آن، لذت زندگی انسانی، آرامش و تنعم را

عمیقاً احساس و سعادت و خوشبختی را تجربه می‌کنند (اسراء: ۱۳، ۱۴)؛ همچنان که تراکم و ترکیب صفات بد و خصلت‌های ناپسند، ترکیب پلید و زشتی از افکار، انگیزه‌ها و رفتارهای زشت و نامحبوب را ایجاد می‌کنند (اسراء: ۸۴) که نخست خود فرد و سپس دیگرانسان‌ها را مشمئز و متنفر می‌کند و همه از آثار نامحبوب و نامطلوب آن همواره در رنج، بی‌قراری و ناخرسندی خواهند بود (همان). بنا به تصریح قرآن کریم هر عمل انسان افزون بر صورت مَلکی، صورت ملکوتی هم دارد. قرآن کریم از فرایند تحقق صورت ملکوتی عمل در روح و شخصیت باطنی انسان، به استنساخ عمل تعبیر می‌کند (جاثیه: ۲۹). صورت‌های ملکوتی عمل، که موجب پیدایش صفات شخصیتی‌اند، در حقیقت همان بهشت یا جهنم انسان است. این صورت‌ها در هر مرتبه از وجود انسان و در هر جهانی به تناسب خود ماهیتی دارد و در عالم آخرت هم به صورت‌هایی متناسب با آن عالم جلوه‌گر می‌شود (ابراهیم: ۴۸)؛ از این رو، شخصیت و وجود انسان، ماهیتی سیال و همواره در حال شدن دارد. شخصیت انسان در عالم دنیا همواره در تحوّل پیوسته و از حالی به حال دیگر در جریان است و این فرایند تا آخرین لحظات زندگی فرد ادامه می‌یابد. بر این اساس ممکن است انسان، لحظه‌ای در بهشت و لحظه دیگر در جهنم باشد! همچنان‌که ممکن است بخشی از وجود او به سبب صفتی پلید، در جهنم و بخش دیگری از وجودش، به سبب صفتی نیک، در بهشت باشد! در نتیجه وجود اکثر انسان‌ها ممزوجی از بهشت و جهنم است؛ مگر مقرران که وجوشان یکپارچه بهشت (فاطر: ۳۲-۳۵ و واقعه: ۱۰-۱۲) و کافران مختوم القلب که وجودشان سراسر جهنم و آتش است! (بقره: ۷ و مسد: ۱). البته آنچه سعادت ابدی و خاتمیت نیک سرنوشت انسان را معین می‌کند، غلبه وجه خیر و فضیلت بر وجه شر و ذائل در صحنه هستی او است (قارعه: ۶-۱۱)؛ همان‌گونه که غلبه وجه شر و ذائل بر وجه خیر و فضیلت، سرنوشت ابدی دوزخی و شقاوت انسان را رقم می‌زند (اعراف: ۸-۹).

این تحول مداوم تا قیامت، که همان دارالقرار است (مؤمن: ۳۹) همواره در جریان بوده و با مرگ انسان به ثبات می‌رسد. انسان موجودی مختار است و می‌تواند در هر لحظه، تحول عمیق و جودی به سمت خوبی یا بدی را در شخصیت خود ایجاد کند (حدید: ۱۶؛ کهف: ۲۹؛ دهر: ۳). آیات و روایات دینی و نیز تجربه‌های ما از تحوّلات پیوسته وجود خویش و نیز از زندگی انسان‌های صالح و ناصالح، نشان می‌دهد که انسان می‌تواند در یک لحظه در وجود خود دگرگونی عمیقی به سوی فضیلت‌ها یا رذیله‌ها پدید آورد و آن حالت را استمرار بخشیده و به اوج و

کمال رساند یا آن حال را رها کند و به حال دیگری، خوب یا بد، درآید. سرتأثیر و تحول‌آفرینی توبه در همین خصلت وجودی انسان نهفته است. توبه در واقع، نوعی دگرگونی در وجود انسان است، نه چیزی بیرون از آن! گریستن بر سیدالشهدا (ع) (اگر برخاسته و معطوف به محبت آن حضرت یا متأثر از مصائب ایشان باشد)، همان تحول عمیقی را که هنگام توبه در ابعاد چهارگانه شخصیت انسان روی می‌دهد، پدید آورده و آدمی را در آن لحظه خاص، آن چنان دگرگون می‌کند که گویی قلبش از بدی‌ها و زشتی‌ها کنده شده و به سوی خوبی‌ها و زیبایی‌ها مایل می‌شود. این تحول ایجابی و مثبت اگر در لحظه‌های پسین هم استمرار پیدا کرده و مؤمن سوگوار بر حالت نیک خود پایداری ورزد، حالات منفی پیش از سوگواری او که برآمده از گناهان است، به گستره شخصیت او برنخواهد گشت و همچنان در سیرالی الله و تکامل معنوی و اخلاقی حرکت خواهد کرد تا به لقای خداوند و معاد وجودی نائل شود (انشقاق: ۶). اساساً نشانه غفران ذنوب، چه در هنگام توبه و چه در هنگام گریستن بر امام حسین، وجود و استمرار افکار، انگیزه‌ها و رفتارهای نیک شخصیت تائب و سوگوار (و به عبارتی، هویت تائب و سوگوار) است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۲۱۵۹). حال اگر فرد با سوء اختیار خود مسیر رفته را بازگردد، پیامدها و تبعات معنوی و روان‌شناختی گناهان پیشین (نه کیف‌های اخروی) هم به ساحت شخصیت او بازمی‌گردد. کسی که در حال توبه به سوی خداست یا قلبش با شنیدن مصائب امام حسین و یا توجه محبانه به امام، متأثر گشته و عاطفه‌اش به جوش آمده و تحول روان‌شناختی و وجودی‌اش در اشک او تجلی یافته، در آن حال از گناهانش جدا و پوشانده شده و کاملاً در ساحت بهشت وجودش قرار یافته است. قرار یافتگی در بهشت وجود، ادامه و استمرار حضور در آن ساحت را اقتضا دارد؛ مگر اینکه فرد، خود را از بهشت وجودش بیرون رانده و دوباره به ساحت زمینی و دوزخی آن هبوط کند.

۴. برخی گفته‌اند که اعتقاد به این آموزه که «اندکی گریستن بر امام حسین گناهان بزرگ و کوچک، کم و زیاد را می‌آمرزد»، مستلزم اعتقاد به اهمیت اندک پدیده گناه در نظام تربیت دینی است و ضمن اینکه موجب جرئت‌ورزی گناهکاران بر ارتکاب معاصی می‌شود، با آیات و روایات فراوانی که بر اهمیت گناه و عقوبت‌های بزرگ و کوچک گناهان دلالت می‌کند، تعارض جدی دارد. در پاسخ به این ادعا و استدلال گفتنی است:

اولاً، همین ادعا و استدلال، درباره آموزه توبه هم درخور طرح است. اگر در آثار گریستن بر

امام حسین شبهه‌ای باشد، درباره آموزه توبه هم همان شبهه مطرح می‌شود؛ زیرا بخشش گناهان و غفران ذنوب در اثر توبه از آموزه‌های یقینی همه ادیان الهی است. اگر اعتقاد به عاملیت گریستن بر امام حسین در تطهیر معنوی انسان، موجب تجزّی برگناه شود، باید پذیرفت که توبه هم همین اثر را دارد؛ زیرا در فرایند توبه هم فرض بر این است که همه گناهان فرد تائب، بال‌حظه‌ای پشیمانی و دگرگونی وجودی، بخشیده می‌شود؛ در حالی که هیچ فرد آشنا به فرهنگ دینی، ادعا نمی‌کند که مغفرت آفرینی توبه بی‌اهمیت شدن موجب گناه می‌شود و باعث جرئت‌ورزی گناهکاران بر نافرمانی بیشتر خداوند می‌شود؛ ثانیاً، چنان‌که پیشتر تبیین شد، مهم‌ترین نشانه بخشوده شدن گناهان در اثر توبه و نیز گریستن بر مصائب امام حسین، وجود و استمرار آثار مغفرت است که می‌بایست خود را در افکار، انگیزه‌ها، رفتارها، و در کل هویت معنوی-اخلاقی فرد تائب و سوگوار نشان دهد و فقدان چنان آثار و نشانه‌هایی، بهترین دلیل بر فقدان تحقق توبه حقیقی و گریستن خالصانه بر امام حسین و یا بردگرایی اختیاری فرد به سمت بدی‌ها و زشتی‌ها، پس از توبه و گریستن حقیقی دلالت دارد؛ ثالثاً، تجزّی برگناه در صورتی است که فرایند منطقی و عقلانی تقریر شده در سطور پیشین در نظر گرفته نشود و افرادی تصور کنند که صرف توبه ذهنی و زبانی یا صرف جوشش عاطفه حیوانی، چنان آثار و برکاتی را به همراه خود دارد. یقیناً تبیین صحیح آموزه «توبه» و «گریستن بر امام حسین» برای مردم زمینه جرئت‌ورزی و بی‌اهمیت شدن مسئله گناه در نظام فکری و انگیزشی انسان‌ها را از بین می‌برد.

### نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل محتوایی آیات و روایات اسلامی نشان می‌دهد که توبه سازوکار اصلی و اصل آموزش و تطهیر معنوی گناهان است. حقیقت توبه، پشیمانی است و احساس پشیمانی، یعنی نفرت از عمل یا اعمال پیشین و میل و عزم حرکت در مسیر مشروع و معقول. وقوع این پدیده روان‌شناختی در روان انسان، موجب می‌شود که در همان لحظه توبه، هویت معنوی-اخلاقی فرد از هویت عبد عاصی، به عبد تائب، متحول شود. بر اثر این دگرگونی هویتی نه تنها گناهان فرد آرمزیده می‌شود، بلکه لوازم معنوی، اخلاقی و حتی برخی از لوازم وضعی، طبیعی و تشریحی گناهان او هم از میان رفته و بالاتر از آن، بدی‌ها به حسنات مبدل می‌شود. در منابع اسلامی افزون بر توبه به رفتارهای دیگر نیز اشاره شده که اثر مغفرت بخشی دارد. تحلیل این رفتارها نشان می‌دهد که همه از همان حقیقت توبه، یعنی نفرت و دوری از بدی

و میل و عزم به سوی خوبی و زیبایی برخوردار است؛ بنابراین، هر رفتاری که درون مایه و حقیقت آن شبیه توبه باشد، اثر مغفرت‌بخشی خواهد داشت. حقیقت توبه، همان دگرگونی قلبی (به معنای قرآنی آن، یعنی مرکز فرماندهی ادارک‌ها و احساسات) انسان و محصول تحوّل شخصیت او در چهار ساحت شناخت، انگیزش، رفتار و هویت معنوی-اخلاقی است؛ براساس آموزه‌های دینی، جان‌مایه توبه، جز بازگشت از اطاعت نفس و شیطان (فرمان‌دهندگان به شر و زشتی) به سوی خدا، یعنی مبدأ و غایت زیبایی‌ها و نیکی‌های اخلاقی در ساحت‌های پیش‌گفته، چیز دیگری نیست؛ وگرنه صرف پشیمانی از گناه و زشتی، بدون بازگشت و میل وجودی به سوی خدا، اساساً امر تحقق‌یافتنی نیست. اولیای الهی تمام وجود خود را در اسما و صفات خداوند فانی کرده و یکسره خدایی شده‌اند (مفاتیح الجنان، زیارت جامعه و زیارت رجبیه)؛ جز او نمی‌بینند و جز او نمی‌خواهند و جز او نمی‌جویند (تکویر: ۲۹)؛ از این رو محبت و گرایش به آنان، در حقیقت محبت و گرایش به خداست و انسان را در ساحت‌های چهارگانه وجودی اش (شناخت، انگیزه، رفتار و هویت معنوی-اخلاقی) به سوی خداوند راه می‌برد. انسان مؤمن هنگامی که از عظمت، جلالت، شرافت و جود و روح پرفضیلت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) یاد می‌کند و قلبش از محبت به آن ولی فانی در حق، لبریز می‌شود یا هنگامی که مصیبتی از مصائب آن حضرت را در ذهنش مرور کرده، عاطفه‌اش به جوش آمده و اندوهش به سبب ستم‌ها و جنایت‌هایی که بر آن وجود مقدس و اصحاب باوفایش رفته، در قطره‌های اشک تجلی می‌کند، در آن لحظه‌ها روحش متحدانه با روح مقدس و فانی شده در حق امام حسین به تکاپومی افتد و از بدی‌ها و زشتی‌ها فاصله گرفته و به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌ها و مبدأ آن، یعنی خداوند متعال، به حرکت درمی‌آید. امام معصوم (علیه السلام) تجسم همه خوبی‌ها و فضائل است که از خداوند سرچشمه می‌گیرد (حمد: ۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۴؛ قمی، ۱۳۷۸، زیارت جامعه کبیره) و فطرت خداجوی انسان به آن متمایل است (روم: ۳۰). امام جانشین خدا بر روی زمین است و در میان موجودات امکانی، بیشترین شباهت و قرابت را با حضرت حق دارد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۵۲ و ۲۶۶-۲۷۰؛ قمی، ۱۳۷۸، زیارت جامعه کبیره)؛ از این رو، ذکر فضیلت‌های امام و بیان شور و شوق قلبی و احساس محبت به او که در ریزش اشک‌های محبّ، جلوه‌گرمی‌شود، شخصیت او را در ابعاد چهارگانه، دگرگون ساخته و رنگ خدایی می‌بخشد (بقره: ۱۳۸). همان‌گونه که محبت به امام و ولی خدا، برخاسته از محبت خداست،

اشک بر مصائب امام و ولی خدا هم در محبت عمیق سوگوار به خدا ریشه دارد. گریستن بر امام حسین علیه السلام، رفتاری نمادین و نشانه و تبلور جوشش عمیق و روان‌شناسانه وجود انسان در میل به خوبی‌ها و زیبایی‌هاست. زیبایی‌ها و فضیلت‌هایی که از وجود امام، فرزندان و یارانش تجلی نموده و همواره در زندگی انسان‌ها در تبلور است؛ همچنان که اشک بر مصائب آنان، نماد و نشانه تنفراز بدی‌ها و زشتی‌هایی است که افکار، عواطف، انگیزه‌ها، رفتارها و هویت اخلاقی یزید و یزیدیان پدید آورده و همواره پدید می‌آورد. بر این اساس آموزه روشن شد که مغفرت بخشی گریستن بر امام حسین، صرفاً یک امر اعتباری و تبعدی نیست و بر حقیقتی وجودی و روان‌شناختی در استوار است.

### منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۷۶)، ترجمه مکارم شیرازی. تهران: دارالقرآن الکریم.
۲. نهج البلاغه. (۱۳۹۵)، ترجمه محمد دشتی. قم: جمکران.
۳. انیس، ابراهیم و دیگران. (۱۳۱۲ق)، المعجم الوسیط، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. بسام، مرتضی. (۱۴۲۶ق: ۲۰۰۵م)، زیده المقال من معجم الرجال، الجزء الأول و الثاني، بیروت: دارالمحجّه البیضاء.
۵. خراسانی، آخوند محمدکاظم. (۱۴۱۴ق)، کفایة الاصول، قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.
۶. دادستان، پریخ، (۱۳۸۳)، روان‌شناسی مرضی تحولی، تهران: انتشارات رشد.
۷. دردشتی، احمدرضا؛ پیری، محمدرضا. (۱۳۹۶)، ساختن حرم و بارگاه از منظر قرآن کریم، سنت و سیره مسلمانان، مجله تخصصی پاسخ، ش ۸، ص ۶۳-۷۸.
۸. درگاهی، حسین. (۱۴۲۲ق)، مناهل الابرار فی تلخیص بحار الانوار، ج ۸، قم: نشر عالمه.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا: دفتر نشر کتاب.
۱۰. سیحانی، جعفر. (۱۴۲۱ق)، کلیات فی علم الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. شولتز، دوان. (۱۳۸۳)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یوسف کرمی و همکاران، تهران: نشر اسبازان.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۰)، عیون اخبار الرضا، ترجمه علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. صدر محمدباقر. (۱۴۱۷ق)، دروس فی علم الاصول (الحلقه الثالثه)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. صفایی حائری، عباس. (۱۳۸۶)، تاریخ سیدالشهدا، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
۱۵. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۷۵)، قاموس قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. قمی، جعفر بن محمد بن قولویه. (۱۴۲۴ق)، کامل الزیارت، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، قم: نشر الفقاهه.
۱۷. قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۸)، مفاتیح الجنان، قم: مؤسسه پاسدار اسلام.
۱۸. متقی الهمدنی، علی بن حسام الدین. (۱۳۹۷ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح: صفوه السقا، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۵ جلدی، قم: انتشارات دارالحدیث.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (مجموعه آثار، ج ۱)، تهران: انتشارات صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (مجموعه آثار، ج ۲)، تهران: انتشارات صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶)، حماسه حسینی، ج اول، قم: انتشارات صدرا.